

معنا و کارکرد جدید جشن‌های ایرانی

در حاشیه جشن سده

محسن آزموده

انسان موجودی سازنده است. ابزار می‌سازد، خانه می‌سازد، جمله می‌سازد، ماشین می‌سازد، قصه می‌سازد، شهر می‌سازد، معنا می‌سازد. سازندگی شاید انحصاری به آدمیزاد نداشته باشد، اما در میان موجوداتی که ما می‌شناسیم، هیچ یک به اندازه انسان سازنده نیست یا به عبارت دیگر سازندگی‌اش اینچنین مشهود و قابل ارزیابی نیست. معناسازی یا معنادار کردن چیزها یکی از وجوه سازندگی انسان است. آدم با مشاهده و مرتبط کردن چیزهایی شاید و ظاهراً بی‌ربط به یکدیگر، داستان‌سرایی می‌کند و معناسازی و هویت‌سازی می‌کند. جشن‌ها و مراسم و آیین‌ها یکی از اشکال این هویت‌سازی و معناسازی انسان‌ها هستند. در گذشته، انسان به مراتب بیش از امروز با امور طبیعی سر و کار داشت. تغییر فصل‌ها و کم و زیاد شدن طول روز و شب و تابیدن و نتابیدن خورشید، بسیار بیش از امروز به چشم می‌آمد.

آدمی این همه دغدغه و دلمشغولی و معنا برای خودش دست و پا نکرده بود و تغییر و دگرگونی‌های طبیعت بیشتر به چشمش می‌آمدند. این ارتباط ناگزیر، مستقیم‌تر و بی‌واسطه‌تر با طبیعت سبب شده بود که عمده معناهایی که بشر پدید می‌آورد، در ارتباط با همین تحولات طبیعی و گردش افلاک و اموری از این قبیل باشد. جشن‌هایی مثل نوروز و سده و یلدا به خوبی نشانگر این ربط و نسبت هستند. مطالعات تاریخی و مردم‌شناسانه نشان می‌دهد که عموم این جشن‌ها، در ارتباط مستقیم با تحولات طبیعی و زندگی روزمره بشر پدید آمده‌اند و نشانگر درک و دریافت خاص انسان از تغییرات محیطی و آب و هوایی هستند، پدیده‌هایی که تاثیر مستقیم در زندگی روزمره آدم‌ها داشتند.

امروز و با گذر انسان به عصر مدرن دیگر آن معناسازی‌ها چندان آشکار نیست و کمتر کسی آنها را به خاطر می‌آورد. معناسازی‌ها و مفاهیم و ایده‌ها و اندیشه‌های جدیدی جایگزین معناسازی‌های پیشین شده است. در راس این نظام‌های معناساز جدید، علم جدید است که به

پشتوانه دستاوردهای خیره‌کننده‌ای که در زندگی بشر داشته، تمام رقباي پيشين را از ميدان به در و ذهن و ضمير انسان‌ها را تسخير کرده است.

امروز ديگر کسي گوشش بدهکار مضاميني مثل خورشيد به مثابه ايزدمهر و گردش افلاک و سعد و نحس ايام و ستيز نور و روشنائي نيست و اينها را مفاهيمي اسطوره‌اي و خيالي تصور مي‌کند که مربوط به دوران پيشامدرن و کودکی ذهن بشر است و برآمده از ناآگاهی او نسبت به واقعيت امور و چرایی سرما و گرما و خشکسالي و تر سالي زمين.

توضيحات و توجيحات پيشين، در بهترين حالت، بيان‌هايي استعاري تلقي ميشوند که به کار مضمون‌پردازي‌هاي هنري و زيبايي‌شناسانه مي‌آيند. ديگر مردم در شب يلدا، از نحسي غلبه سياهي بر تاريخي نمي‌هراسند و نگران نحسي آن نيستند. برعکس، خيلي هم خوشحالند و آن را مستمسکي براي دوره‌مي و جشن و سرور و شادمانی و... مي‌سازند.

همين نکته اخير روشن مي‌سازد که معنا و کارکرد اين جشن‌ها و اجتماعات و آداب و رسوم، در روزگار ما تغيير جدي کرده، اما اين تحول، تهی شدن آن جشن‌ها و رسوم و آداب از معنا و باقی ماندن پوسته ظاهري آنها نيست. چنان‌که در ابتدای سخن گفتيم، انسان جانوري معناساز است و اگر حنائي معناسازي‌هاي پيشين رنگ و بوي سابق را ندارد، ضرورتي ندارد که اين جشن‌ها دور انداخته شوند يا فراموش و به تاريخ سپرده شوند. برعکس، آدميزاد معناهاي جديدي براي آنها پديد مي‌آورد. اين معنای جديد، چنان‌که در مورد شب يلدا به ويژه در سال‌هاي اخير مي‌بينيم، ربط و نسبت مستقيم با زندگي جمعي آدم‌ها در اينجا و اکنون ايشان دارد.

به عبارت روشن‌تر، جشن‌هايي چون سده و نوروز و يلدا، در روزگار ما، نه براي تولد خورشيد يا نو شدن طبيعت يا فرار از نحسي تاريخي و ظلمات، بلکه براي برگزاري ضيافت و دوره‌مي انسان‌ها و تحکيم روابط و همبستگي ميان ايشان برپا ميشوند. اين معناسازي را به ويژه در روزگار عسرت و سختي نبايد دست‌کم گرفت. ما ايرانيان امروز سخت محتاج دوره‌مي‌هاي شاد و صميمي هستيم و جشن‌هاي ايراني به بهترين وجه از عهده اين کارکرد بر مي‌آيند. مثلا جشن شب يلدا را در نظر بگيريد. سابقه يلدا البته به قرن‌هاي دور و دراز باز مي‌گردد، اما در اين سال‌هاي اخير، شاهد رونق گرفتن بي‌سابقه اين جشن هستيم. به لطف شبکه‌هاي اجتماعي و بالا رفتن دانش عمومي، احتمالا شمار بيشتري از ايرانيان از خاستگاه يلدا اطلاع دارند و ميدانند که اجدادشان در گذشته چرا در اين شب گردهم مي‌آمدند. اما امروز بعيد است کسي به آن انگيزه‌هاي قديمي مهماني بگيرد. معنا يا کارکرد امروزين جشن‌هاي ايراني، از قضا اهميت به‌مراتب بيشتري دارد و ملموس‌تر و

عینی‌تر است. امروز به لطف ارتباطات، ما بهتر و شفاف‌تر از گذشته، تاثیر جشن و سرور را در شاد شدن جامعه و انبساط خاطر آن می‌بینیم و درمی‌یابیم، منتها دامن زدن به این جشن‌ها و آیین‌ها، کار نظام‌های سیاسی نیست و در صورت مداخله ایشان، اثر عکس دارد، به ویژه در شرایط نامساعد اقتصادی و در هنگامه نارضایتی عمومی، اگر دولت‌ها دست به تبلیغات راجع به چنین جشن‌هایی بزنند، با واکنش منفی جامعه مواجه می‌شود. کاری که از حاکمیت سیاسی بر می‌آید، این است که تا جایی که به این جشن‌ها مربوط می‌شود، هیچ کاری نکند و پایش را از گلیم جامعه پس بکشد و به جامعه اجازه بدهد که نفس بکشد و برای خودش جشن بگیرد. جامعه خود بقیه کارها را خواهد کرد.

من: □□□□□□ □□□□□□ 9 □□□□ □□□□□□ 1402 □□□□□□